

- آبه: خواهر بزرگ
- آرنگ زدن، آرن زدن: بوق زدن (ارن و آرنگ دگرگون یافته horn انگلیسی است).
- آرنگ: بوق
- آفیسر، صاحب منصب: آفسر
- اردو: ارتش
- اریکین: چراغ فانوس
- اسپار | اسپار: آهن سرتیز شخم زدن - خیش
- استخبارات: اطلاعات
- استنطاق: بازجویی
- اُشپلاق، اوشپولاق: هُشپلگ، سوت
- اشتراک کردن: شرکت کردن
- اعمار گردیدن: بنا شدن
- افسانوی: افسانه‌ای، اسطوره‌ای
- افغانستانی: اهالی افغانستان
- افیونی: اهالی هرات
- اکسیجن (انگلیسی): اکسیژن
- آلماری (پرتغالی): قفسه، کمد
- النگو: چوری (هندی)
- الوار: چارتراش

- آمد آمد عید: در آستانه عید
- آمر صاحب: جناب سرکار
- انانسر (فرانسوی): اعلام کننده ی برنامه
- انبار: گدام
- انبارخانه: انباری
- انبردست: انبرپلاس
- آنبه: آم (هندی)
- انتصاب: تقرر
- آنتیک | آنتیک: عتیقه
- آندیوال (پشتو): در هرات رفیق یا همان (دوست) دوست
- انفاکتوس (آنفارکتوس (انگلیسی)): حمله، سکتہ ی قلبی
- انفجار: انفلاق
- انفیه دان: قوطی نسوار، کدوی نسوار
- انفیه: نسوار بینی
- انکشاف: پیشرفت، توسعه پایدار
- آهوگک: آهو ی کوچک
- اوت: اگست (انگلیسی)
- اورژانس (فرانسه): عاجل
- اورگت (انگلیسی): دبل کوت، بالاپوش
- اونیفورم (فرانسه): یونیفورم (انگلیسی)
- اینجینر (انگلیسی): مهندس

- باجناغ (ترکی): باجه
- باجه: غرفه، دگه
- بادبادک: کاغذپران، گدی پران (درهرات: کاغذباد)
- باد کردن: ۱. ورم کردن، پندیدن ۲. ماندن کالا و متاع بر اثر کسادی بازار یا نامرغوب بودن آن
- بازنشسته: متقاعد
- باسی: خوراک شب مانده
- باشگاه: کلوب، کلب
- باقلا: باقلی
- بالانس (فرانسه): معلق
- بامیه (شیرینی): خجور
- باند (انگلیسی): دسته، دار و دسته
- بانک نوت (انگلیسی): اسکناس
- بایسکل: دوچرخه (انگلیسی)
- بایگانی کردن: حفظ کردن
- بایگانی: آرشیف (فرانسه)، اوراق
- بُت، بوت: درهرات هم (کفش) بوت کفش های سربازی را بوت می گویند. کفش، چکمه
- بتل، بوتل: درهرات شیشه می گویند بطری، شیشه (انگلیسی)
- بجه: ساعت (تحریف شده «بجی» هندی) ساعت چندبجه؟ = ساعت چنده؟
- بحیره | بحیره: دریاچه
- بخاری تیلی: بخاری نفتی

- بخت آزمایی: لاتری (انگلیسی)
- بخش: ولسوالی (پشتو)
- بخشدار: ولسوال (پشتو)
- بخشداری: اداره‌ی ولسوالی (پشتو)
- بدقار: بدقهر، خشکین درهرات هم
- بدل اعاشه: کمک هزینه‌ی دانشجویی
- بدهکار: قرضدار
- بدهکاری: قرض
- برج دلو: ماه بهمن
- برفلج: بهمن (فروریزش برف در کوه)
- برس، برس، برس (فرانسه): برس (فرانسه)
- برق دستی، چراغ دستی، درهرات چراغ مشتی: چراغ قوه
- برگه‌ی زرد آلو: اشتق (درهرات: کشته)
- برگه: ورقه، شقه
- برنامه (کاربردش کم شده است): طرح (از فرانسوی)
- برنامه: برنامه، پلان
- برنده (ازورنده‌ی انگلیسی)، ایوان: تراس (فرانسه)
- بروت (درهرات سبیل هم می‌گویند): سبیل
- بزرگراه: شاهراه
- بساط: تنگ
- بستانکار: طلبکار
- بستانکاری: طلب

- بستنی: شیرِخ (در هرات: بستنی)
- بطری: بوتل (انگلیسی)
- بغل دستی: پهلوفیل (ترکیب فارسی-انگلیسی)
- بگس: کیف (تعریف شده از box, bag انگلیسی)
- بلال: جواری برشته
- بلدرچین: بودن (در هرات: کرگ)
- بلند شدن: بلند شدن، برخاستن
- بلند کردن: ربودن
- بلوک (فرانسه): بلاک (انگلیسی)
- بلوند (فرانسه): بور
- بلیط (فرانسه): تکت (انگلیسی)
- بِن بست: بن بست، کوچه‌ای که پایانش بسته است.
- بَنجارَه والا: فروشنده‌ی دوره گرد
- بَنجارَه غله فروش دوره گرد (از کلمه بانجارا هندی)
- بند شلوار: ازاریند
- بنزین: پترول (هر دو انگلیسی و فرانسه)
- بنگاه: مرکز معاملات، مؤسسه
- بَه تَلیف می شوید: به دردسر می افتید
- بَه حیث: هم چون، به عنوان
- بَه صفت: به عنوان
- بهداری: صحیه
- بهداشت: حفظ الصحه

- بهیار: مأمور صحیحہ
- بوجی: کیسہ یا گونی
- بود و باش: زندگی، سکونت
- بوره: در هرات شکر هم می گویند
- بوزینه: شادی، میمون
- بیات: باسی، شب مانده
- بیادر (کابلی)، برار (هراتی): برادر، داداش
- بیت خوانی: ترانه خوانی
- بید (حشره): کویه، موربانہ
- بیر (انگلیسی): در هرات آجَو (آجَو)
- بیرل (انگلیسی): Barrel بشکله (روسی)
- بیرہ: لثہ
- بیلان (فرانسہ): بیلانس (انگلیسی)
- بیمار: مریض، ناجور (در هرات: ناخوش)
- بیمارستان: شفاخانه
- بیولوژی: زیست شناسی

پ

- پاتگ: ضد حمله، حمله ی متقابل
- پارچ: جک، مرتبان، تنگ
- پاره آجر: خشت پارچه

- پاره کردن: پاره کردن، چیر کردن
- پارو: راش بیل (در هرات: پارو)
- پاساژ (فرانسه): مارکیت
- پاک کن: پنسل پاک (انگلیسی، فارسی)
- پالتو (فرانسه): بالاپوش
- پالک: اسفناج
- پالیدن: جستجو کردن (از فارسی باستان)
- پالیسی (دارای ریشه انگلیسی) که در این اواخر همان سیاست را به کار می‌برند: سیاست.
- پانسیون (فرانسه): مهمانخانه‌ی خصوصی
- پانسیونر (فرانسه): مهمان مهمانخانه‌ی خصوصی
- پایان‌نامه: مونوگراف (انگلیسی)
- پایدل: پدال (روسی، فرانسوی)
- پایواز: کسیکه همراه مریض در شفاخانه (بیمارستان) می‌ماند.
- پایور: ضابط، صاحب منصب پایین رتبه
- پاییدن: نگران و مراقب بودن (پیا: مراقب باش، هوشت را بگیر)
- پاییز: خزان
- پتونیا (انگلیسی: پتونیا): (petunia) اطلسی (گل)
- پتلون: شلوار (از فرانسوی) (تحریف شده «پانتالون»)
- پتو: کمپل (از پشتو)
- پرتابل (فرانسه): سیار
- پرتقال: ۱. کشور پرتغال ۲. مالت (میوه)
- پرتوشناس: رادیولوژیست (انگلیسی)

- پرس و پال: پرس وجو
- پرستو: غچی
- پرو: خام کوک (اصطلاح خیاطی)
- پروگرام: برنامه (اروپایی)
- پرونده: دوسیه (فرانسه)
- پریز: ساکت (انگلیسی)
- پریشان: پریشان
- پس آمدن: برگشتن (در هندی و لهجه لری: واپس)
- پس رفتن: عقب رفتن
- پست بگس (ریشه انگلیسی که دیگر کاربرد ندارد): صندوق پستی
- پست: پوسته، داک
- پستیچی: پوسته رسان
- پسته خانه: پست خانه
- پسخانه: پستو
- پشتاره: بار پشت
- پشگ: گربه (از ترکی (ازبکی))
- پکه: بادبزن، پنکه (پنجابی)
- پماد (فرانسه): تیوب مرهم
- پنبه: پخته (در هرات و نیز در پشتو: پنبه)
- پنجره: کلکین
- پندیده گی | پندیده گی: تورم
- پنکه: پنکه

- پنهان: پُت
- پوپنگ یا پوپونگ: کپک (از هندی)
- پودر: هرویین (انحراف یافته)
- پوقانه: بادکنک، کاندوم (سانسکریت) (لهجه هراتی: پوف کنک)
- پوهنتون: دانشگاه از پشتو
- پوهنځی: دانشکده
- پوهنځی: رشته ی تحصیلی دانشگاهی
- پیاله: استکان
- پیپ از انگلیسی: شلنگ
- پیسه: پول (بنگالی، اردو)
- پیشخوان: پاچال
- پیشدستی: بشقاب / بشقاب
- پیشکار: خانه سامان
- پیک نیک (فرانسه): میله
- پیمان: قرارداد
- پیمانکار: قراردادی

ت

-
- تاپه کردن: مهر زدن («تاپه» پشتو)
 - تاپه | تاپه: مهر («تاپه» پشتو و پارسی) مهر (ابزار)
 - تاحال: تاکنون

- تار: رشته، سیم، نخ هندی
- تاول: آبله (بر اثر سوختگی یا حساسیت. در هرات: خلفه، خرفه)
- تبریزی: سفیدار (درخت سپیدار)
- تبلیغات: پروپاگند
- تجربه: آزمایش (عربی)
- تحفه: هدیه (عربی)
- تخت کفش: تیلی، تلی
- تخنیک (روسی): تکنیک (فرانسه)
- تخنیکر (روسی): کارگر فنی
- تخنیکلی (بر گرفته از روسی: تخنیکسکی): فنی
- تداوی: درمان
- تراش: قلمتراش، قلم سرکن، پنسلتراش
- تَرْب: ملی
- تَرْبچه: ملی گگ
- تربوز: هندوانه (از اردو و هندی)
- تربیت معلم: دارالمعلمین
- تربیه: پرورش (انحراف یافته تربیت)
- ترکه: خمچه (در هرات: شوشک)
- ترم: ترمپت (فرانسوی)
- ترمز (روسی): برک (انگلیسی)
- تره: گندنا
- تریون (فرانسه): میز خطابه (تاجیکی: منبر)

- ترينر: مربي (انگليسي) trainer
- تزريقات: پيچكاري
- تزريقاتي: كمپودر (كمپوندر، انگليسي)
- تشناب: توالت، مستراح
- تصادف: تصادفاً
- تطبيق: انجام، اجرا
- تعير: ساختن (انحراف يافته)
- تقاله‌ي چاي: شمه‌ي چاي
- تفت: بخار (فارسي باستان)
- تقويم: جنتری (هندي)
- تگت: بليت («تگت» از انگليسي، «بليت» از روسي)
- تگر (خارجي): تصادف
- تگسي: تاكسي
- تگه‌فروشي: پارچه‌فروشي
- تگرگ: ژاله
- تگلّه: قوی
- تلاشي (يا تفتيش) کردن: بازرسي کردن
- تلخان: نوعي شيريني محلي که از آرد توت خشک درست مي شود.
- تلفن: تلفن
- تلمبه (ظاهراً از ترمب فرانسه): پمپ (انگليسي)
- تماشاخانه: صحنه‌ي تثيل
- تمبر پستي: تگت پستي

- تمثیلی: نمایشی
- تمیز: پاک، ستره
- تَتَلَّ: خرده ریزه (دندل / فارسی)
- تندرست: جور
- تنی (برادر یا خواهر): سگه
- تهداب گذاری: پایه گذاری
- تی هکلو، تهلوی: زیرزمین
- تو: داخل، اندرون
- توت فرنگی: توت زمینی
- توتَه: تله خرده
- تور (توری): جالی
- توسرخ، پرتقال: لال مالته
- تولَه («نی» هم می گویند): نی
- توقیف: بازداشت
- تیار کردن: تهیه کردن، درست کردن (از پشتو)
- تیپ: ضبط صوت (انگلیسی)
- تیپ: فرقه‌ی کوچک، لوا (نظامی)
- تیزاب: اسید (انگلیسی)
- تیغ ریش: پل ریش
- تیکه: تله، پاره، توتَه
- تیل: بنزین، سوخت
- تیل، تیلَه: توشله

- تیلَه کردن: فشار دادن، هل دادن
- تیماج: ساختیان
- تیمارستان: دارالجمانین، شفاخانه‌ی عقلی و عصبی

ث

- ثبت (اداره‌ی): اداره‌ی احصائیه

ج

- جا خوردن: دکه خوردن، شاک خوردن
- جا گذاشتن: چیزی را در جایی فراموش کردن
- جاپان: ژاپن
- جاد که یی: مادگی
- جارو کش: رُفتگر
- جاری: زن ایور، خانم برادر شوهر (هراتی: امبجین؛ مشهدی: هم پیچه)
- جاسازی: پُت ساختن، چیزی را پنهان در میان چیزهای دیگر جای دادن
- جالباسی: کُت بند
- جالیز: پالیز، فالیز
- ججلداغ: جیرجیرک
- جُروه دان: کارتن
- جسامت: اندازه، حجم، بزرگی
- جغرافیّه: جغرافیا، گیتاشناسی
- جفت: جوړه

- جک: پارچ آب (انگلیسی)
- جُگ: فکاهی
- جلیقه: واسکت
- جَمپ: دست انداز خیابان (انگلیسی)
- جَمپَر: کاپشن
- جنرال: ارتشبد (انگلیسی)
- جنگی بودن (کردن): قهر بودن (کردن)
- جَواری: ذرت^س
- جوال: کیسه یا گونی بزرگ
- جوجه: چوچه
- جور آمدن: توافق / به توافق رسیدن
- جُور شده: درست شده، ساخته شده (پشتو) جور
- جوگی: گولی (هندی، پشتو)
- جیوه: سیاب

چ

- چارچوب: چوکات، قالب
- چارراه: چارراهی (میدان مرکزی، درهرات: چارسو)
- چارمغز: گردو
- چاشت: ناهار، نهار، ظهر
- چاشنی: تنقلات

- چال: سست، شل
- چالان کردن: روشن کردن (انحراف شده «چالو» هندی)
- چاله: چقوری (ترکی)
- چاینگ: قوری («چاینیک» روسی)
- چُپ باش: ساکت شو (هندی: چُپ رو)
- چپ راستی: نگهبان، دربان (مدرسه)
- چِپلی: سندل، دمپایی، سرپایی (تعریف شده «چِپِل» هندی)
- چین: ردا
- چراغ بادی: اریکین، الکین، فانوس
- چراغ گازی: گیس
- چُرْت: پینکی، چرت، فکر
- چرخ (دوچرخه): بایسکل (انگلیسی)
- چرخ خیاطی: ماشین خیاطی
- چرخ گوشت: ماشین گوشت
- چسب زخم: پلاستر
- چسبیدن: فاریدن، خوش آمدن
- چشم بلبلی: لویبای سفید
- چغندر (ترکی): لبلبو
- چکّر زدن: قدم زدن، گردش کردن (پشتو) چکروهل چایی
- چکمه: موزه
- چکّه کردن: چلگ کردن
- چماق (ترکی): دانگ

- چماقدار: دانگه یی
- چندش: کیرک (بیزاری و نفرت از چیزی)
- چوتار: مکار
- چوتی کردن: بافتن مو
- چوچه مرغ: جوجه
- چوری: النگو («چوری» هندی)
- چوقور: ژرف، گود، عمیق (برگرفته از زبان ازبکی)
- چوکات: چارچوب، حد، قاب
- چوکی دارمکتب: بابای مدرسه
- چوکی: صندلی، مقام، منصب (هندی)
- چارنوال، چارنوالی: دادسرا (واژه ایست پشتو) (چ صدای tse می دهد. شبیه تلفظ آذربایجانی چ)

ح

- حاشا کردن: منکر شدن، انکار کردن (هراتی: واسرنگ آمدن)
- حاضری: غذای مختصر و آماده، ماحضر
- حالی: الان، حالا، فعلاً
- حامله، باردار: حامله، شکمدار
- حراج: لیلام
- حراف: پرگویی
- حرف: گپ
- حسابداری: محاسبه

- حسینیه: تکیہ خانہ
- حصبہ: محرقہ (درہرات: دامنہ)
- حضور و غیاب: حاضری گرفتن
- حقوق: معاش
- حکم: فرمان تقرر
- حلقہ نامزدی: چلّہ
- حمّال: جوالی
- حمالی: جوالیگری
- حمامِ خانہ: تشناب
- حمام: گرمابہ
- حنا: خینہ، حنا
- حولہ: دستمال، جان پاک، رویپاک (درہرات: حولہ)
- حومہ: اطراف
- حویلی: حیاط (از ہندی)
- حیاط: حولی، حویلی
- حیوان شناسی: جانور شناسی

خ

- خاصتاً: بہ ویژه
- خاک ارّہ: بورہی ارّہ
- خامہ: سرشیر خام، کریم
- خاور (ماشین، برگرقتہ از اسم شرکت باربری): گاز، زیل، کلّہ فیل

- خاور دور: شرق دور، شرق اقصی
- خاور میانه: شرق میانه
- خاور: شرق، مشرق
- خبررسانک: خبرچین (قاصدک)
- خبرگزاری: آژانس خبررسانی
- خرچنگ: کنگاش
- خرداد: برج جوزا
- خردسن: خردسال
- خُشو، خُسور مادر: خُش، مادر زن (از خسو و خسورا)
- خَفَّ شدن: ناراحت شدن
- خُل: لوده، ابله، خيله
- خلبان: پیلوت
- خوابگاه: لیلیه
- خودنویس: خودرنگ
- خوراگه: خوراکی
- خورد (بر وزنِ نور): کوچک، خُرد
- خورش: سالن (سالند، سالان)
- خی: پس
- خی: خب
- خیابان: سرگ (هندی)
- خیار: بادرنگ (در هرات: خیار)
- خیارچنبر: تره (در هرات: چنبرخیار)

- خیز زدن: پریدن
- خیس کردن: تر کردن، مانند تر کردن برنج (در هرات: نم کردن)
- خیس: تر
- خینه: حنا (اصطلاح خودمانی روزانه برگرفته از «خنه» ازبکی)

د

-
- داکتر: دکتر
 - دُمَل: دانه، زورک، دنبیل
 - داداش (ترکی): آگه، برادر (لقب) (هراتی: لالا)
 - دادستان: مدعی العموم
 - دادگاه: محکمه
 - دادگستری: عدلیه
 - دارالانشا: دبیرخانه
 - دارایی: مالیه
 - دارایی، اداره‌ی: مستوفیت
 - داروخانه: دواخانه
 - داروساز: دواساز، فارماکولژیست
 - داروسازی، دانشکده‌ی: فارمسی
 - داکتر: دُکتر
 - دالر: دلار
 - دام: مال
 - دامپروری: فلاحت

- دامداری: مالداري، فلاحت
- دانش آموز: متعلم
- دانشجو: محصل
- دانشسرا: کالج
- دانشکده: پوهنځی (پشتو)، فاکولته (فرانسوی)، دانشکده دری (پارسی دری)
- دانشگاه: پوهنتون (پشتو) دانشگاه دری (پارسی دری)
- دانشنامه: شهادت نامه
- دانشیار: استانت
- دایي: ماما
- دبستان: مکتب
- دیر کُل: منشی عمومی، سرمنشی
- دیر: سکرتر، منشی
- دیر: معلم
- دیرخانه: سکرتریت، قلم مخصوص، تحریرات، دارالانشاء
- دخلک: قلک
- در این خنک: در این سرما
- درجه دار: ضابط
- درشکه (پولندی): گادی، تانکه
- درصد: فیصد
- درمانگاه: کلینیک (انگلیسی)
- درمی گیرد: آتش می گیرد، (در مجاز) به خشم می آید
- دروازه: در، در خانه (اردو)

- دریا: رود، رودخانه
- دریا: بحر
- دریایی: بحری
- دست بند: چوری
- دستبند زندانی: اُچک
- دستپاچه: وارخطا (در هرات: هولگی)
- دستخط: امضاء
- دفترچه: کتابچه
- دق آوردن: دل تنگ شدن
- دل ام می شود: دل ام می خواهد
- دل بدی: حالت تهوع
- دُنبلان: کلپوره (خصیه گوسفند)
- دندانپزشک: دندان
- دهان دره: فازه (در هرات: خمیازه)
- دهلیز: راهرو
- دواخانه: داروخانه
- دوجین: درجن
- دوچرخه: بایسکل (انگلیسی)
- دوش (فرانس): شاور (انگلیسی)
- دو صد: دو یست
- دو قلو: دو گانگی (در هرات: جلی)
- دو یست: دو صد

- دیپلمه (فرانسه): بکلوریا پاس، فارغ التحصیل
- دیپلوم (دیپلوم - فرانسه): شهادتنامه
- دیگ گذاشتن: غذا پختن
- دیگدان (اجاق نیز می گویند): اجاق، درگوش خراسانی: دیگدان
- دیوان عالی کشور: ستر محکمه (پشتو)

ذ

-
- ذرت: جواری
 - ذریعه وسیله: وسیله
 - ذریعه‌ی: به وسیله‌ی

ر

-
- راجستر: ثبت نام، نام نویسی (تعریف شده‌ی register انگلیسی)
 - رادیولتری (فرانسه): اکسریز (انگلیسی)
 - رازیانه: بادیان
 - راندگی: درایو (انگلیسی)
 - راننده: درایور، دریور (انگلیسی)، موتروان
 - راهنمایی: ترافیک
 - رب دوشامبر (فرانسه): چین خانه
 - رتبه: درجه (در ارتش)
 - رتیل: غوندل

- رخصتی: تعطیلی
- رخصتی‌ها: تعطیلات
- رزمناو: کشتی جنگی
- رسانه‌های گروهی: وسایل جمعی
- رَسَم: نقاشی
- رشوت‌خور: رشوه‌خوار
- رُفتگر: جارو‌کش، مأمور نظیفات
- رگبار: باران تند
- رُل (فرانسه): اشترنگ (انگلیسی)
- رَمَه: گله (اوزبکی)
- رنلین کمان: کمان رستم
- رهن: ۱. گرو ۲. اجاره
- روابط عمومی: ارتباط عامه
- روانپزشک: متخصص امراض روحی، متخصص عقلی و عصبی
- روزنه: پنجره
- روسری: چادر، دستمال، قطیفه (در هرات: قدیفه)
- روشنی انداز: نورافکن (پروژکتور)
- روغن مایع: تیل
- روناس: رودنگ
- رونماگردیدن: ظهور کردن، نمایان شدن
- ریه: شش
- ریواس: رواشک

- زاپاس (روسی): اشتپنی - فالتو
- زاج سفید: زمچ (هراتی: زمه)
- زاج: زاک
- زالزالگ: لوکات (نوعی)
- زایمان: ولادت
- زائو: زچه (هراتی: زاچ)
- زلوییا: جلبی
- زمین لرزه: زلزله
- زنان و زایمان: نسایی و ولادی
- زندان: محبس
- زندانی: محبوس، بندی
- زنده جان: موجود زنده، جانور
- زیرزمین: تگاوی (هراتی: زیرزمینی)
- زیرسیگاری: خاکستر دانی - سگرت دانی
- زیرشلواری: تنبان - زیرتنبانی (همچنین بینید: پیراهن و تنبان)
- زیستشناسی: بیالوژی، بیولوژی
- زیگزاگ: پسدوزی (اصطلاح خیاطی)
- زینه: پله

- ژاله: تگرگ
- ژاندارمری (فرانسه): ژاندارم، ژاندارمه
- ژانویه (فرانسه): جنوری (انگلیسی)
- ژتون (فرانسه): شماره، نمره
- ژست (فرانسه): قیافه، پز
- ژلاتین (فرانسه): جلاتین (انگلیسی)، سریشم ماهی
- ژله (فرانسه): جلی
- ژورنال (فرانسه): ۱. مجله ۲. کتلاگ (انگلیسی)
- ژورنالیزم: روزنامه‌نگاری
- ژورنالیست: روزنامه‌نگار
- ژوئن (فرانسه): جون (انگلیسی)
- ژوئیه (فرانسه): ژوئیه (انگلیسی)
- ژیناستیک (فرانسه): جیناستیک (انگلیسی)

- ساجق: آدامس، سفز
- ساحه: میدان، منطقه، مساحت
- سازمان ملل: مؤسسه‌ی ملل متحد
- ساسیج (انگلیسی): سوسییس (فرانسه)
- ساعت تیری: وقت گذرانی

- ساقدوش: شاه بالا
- ساک (فرانسہ): دستگول
- ساکت: چپ، آرام
- سال تعلیمی: سال تحصیلی
- سالگ: سالدانہ (درہرات: دانہی سال)
- سالون: سالن، تالار
- سبد: زنبیل
- سبیل: بروت
- سبیلو: بروتی
- سپل شتر: پای شتر
- ستاد جنگ: ارکان حرب
- ستر جنرال: ارتشبد («ستر» پشتو یعنی بزرگ)
- سترہ محکمہ: دیوان عالی کشور
- سحری: پس شبی
- سد: بند
- سرباز: عسکر
- سربازخانہ: قشلہ
- سرپیچ برق: هولدر
- سرچرخ: سرگیجہ
- سرحد: مرز
- سرخان (درہرات: گل افشان): سرخک
- سرخوردن: لغزیدن (عامہ: لخشیدن)

- سر سره: لغزان، لغزنده
- (ماه) سرطان: (ماه) تیر
- سرگ (هندي): خیابان، جاده
- سرکار: حواله دار
- سرکار: لقبی است که به جای خانم و آقا خطاب شود، مانند جناب
- سرکوفت: سرزنش
- سرگوشی: زیرگوشی، درگوشی، پیچ کنان
- سروان: جگرن (پشتو)
- سفارشی: فرمایشی
- سفره: دسترخوان
- سلسکه: هلک
- سگرت: سیگار
- سگرت دانی: جاسیگاری
- سلاته: سالاد (فرانسه)
- سمج: شله
- سنت (انگلیسی): سیمان (فرانسه)
- سمنگ (درهرات: سمنو): سمنو
- سند ماشین: جواز سیر
- سنگ تهداب: سنگ بنا
- سنگریزه: ریگ، ریگچه، سنگچل
- سنگواره: فوسیل (انگلیسی، فسیل)
- سه صد: سیصد

- سوت: اشپول، اشپولاق
- سَودا: خرید کردن، خریدن
- سوراخ: غار (سوراخ شد: غار شد)
- سوسک: مادر لیکها
- سوهان: سوهانگ (شیرینی)
- سویچ (انگلیسی): کلید
- سویدن: سوئد
- سیب زمینی: کچالو
- سیرابی: شکبه
- سیرم: سرم (فرانسه)
- سیگاری: سگرت کش
- سیل کردن (عامه و غیررسمی): سیر کردن، تماشا کردن (در زبان لری: سیل کردن، سیل کردن)

ش

- شاپرک: شب پره، ببیرک (در هرات: شوپرک)
- شادی: میمون
- شارژ (فرانسه): چارج (انگلیسی)
- شاروال: شهردار
- شاروالی: شهرداری
- شاشه: شاش، ادرار
- شاندن (نشاندن): غرس کردن

- شاه پسند: برینه (گل)
- شاهی: ترا تیزک
- شاور (انگلیسی): دوش
- شائقین: علاقه‌مندان
- شبدر: شفتل
- شرط زدن: شرط بستن
- شرنگ شرنگ زنگوله: جرینگ جرینگ زنگوله
- شستن، شیشتن: نشستن
- ششلول: هفت تیر
- ششلیک (ترکی): کباب پُشتی
- شفاخانه: بیمارستان (اردو)
- شکر: بوره
- شکلات (فرانس): چاکلت (انگلیسی)
- شکلک: قلاق (هراتی: ساز گرفتن، تقلید کردن)
- شکمو: شکبوی
- شُل: سست
- شلتوک: شالی
- شله قلمکار: نوعی دله (در هرات: آش بهجوش)
- شله: دله (هراتی: قلورا)
- شلوار: آزار، تیبان (تیبان)
- شلواربند: ازاربند (هراتی: بند تیبان)
- شلیک: فیر

- شمال: باد، نسیم، درگوش خراسانی: شمال
- شمش طلا: خشت طلا
- شمعدانی: جرین (گل)
- شن: ریگ (هراتی: قوم (ترکی))
- شنا: آب بازی
- شناسنامه: تذکره‌ی نفوس
- شنبلیله: حلبه
- شنزار: ریگزار
- شنل: چین بی آستین
- شنیده‌گی‌ها: شنیده شده‌ها
- شهادت‌نامه تحصیلی: دانش‌نامه تحصیلی
- شهربانی: قوماندانی امنیه
- شهردار: شاروال (پشتو)، رئیس بلدیہ
- شهرداری: شاروالی (پشتو)، بلدیہ
- شهرستانی: اطرافی
- شهر یور: سنبله
- شور (تکان): تکان
- شورای ملی: شورای ملی
- شوریا: آبلوشت، اشکنه
- شورت (انگلیسی): سنتراج
- شوسه (فرانسه): جاده‌ی پخته‌ی آسفالت نشده
- شوفاژ: مرکز گرمی

- شومینه (فرانسہ): بخاری دیواری
- شوید: شبت
- شیرجہ: دایو، دایف (انگلیسی)
- شیرین بیان: شیرین بویہ
- شیمی آلی: کیمیای عضوی
- شیمی: کیمیا

ص

- صاحب: جناب
- صاعقہ: الماسک، برقک
- صافکاری: کپی کشی
- صحی: بہداشتی
- صدارت: نخست وزیری
- صرع: تشنج (ہراتی: پرغاز)
- صلیب: چلیپا
- صندلی: چوکی
- صندلی: کرسی (زمستان)
- صندوق پست: پست بکس (انگلیسی)
- صندوقدار: تحویلدار
- صنف: کلاس
- صنوبر: ناجو
- صیغہ: عقد موقت

- ضابط: درجه دار
- ضابط: درجه دار
- ضرب: زیر بغلی
- ضربی: مهر، تاپه

ط

- طاس: کل، بی موی
- طالبی: خربزه‌ی گرمه
- طرح: نقشه، پلان
- طوسی: فولادی، خاکستری
- طیاره: هواپیما

ع

- عامه: مسلمان غیر شیعی (اصطلاح کلامی)
- عامی: بی سواد
- عدس: نسک (هراتی: عدس)
- عروسی: توی (طوی) - عاروسی
- عصر: دیگر - نماز دیگر
- علاوه: جیع (ریاضی)
- علوم: ساینس
- عماری: دولی

- عمامه: لنگی - دستار
- عمل جراحی: عملیات
- عملیات جراحی: عمل جراحی
- عملیه: عملیات
- عمو: کاکا
- عنعنات: آیین‌ها، آداب، رسوم
- عنکبوت: جولا، جولاگ
- عیسوی (میلادی): مسیحی، میلادی

غ

- غایب: غیر حاضر
- غرغرگ: فرفره
- غریب: فقیر
- غورسی (غورسک): نوعی بازی گرگی لی لی
- غوری: چاینگ
- غولک: تیرکمان موشی
- غیبت: غیر حضری

ف

- فابریکه: کارخانه (ایتالیایی)
- فارم مال داری: مزرعه دامداری («فارم» از انگلیسی)

- فَاژَه كَشِيدِن: خيآزه كَشِيدِن
- فَاصلِيَا: لويآسبِنز (فَاصلِيَا وآژَه يِ عَرَبِيِ اسْت)
- فَاكولْتَه: دَانشكده (فِرَانسوي)
- فُتْبَال: فوْتبَال
- فُتق: چوره (هَرَاتِي: دَبَه)
- فِر: toni
- فِرَارِي دَادِن: گِرِيَزَانْدِن (عَامِيَانَه: گِرِيخْتَانْدِن)
- فِرَاورده: پيداوار
- فُرْعُون: كِرَآچِي دَسْتِي
- فِرْم (فِرَانسَه): فُورْمَه، فُرْمَه
- فِرْمَان مَآشِين: اَشْتَرِنِگ
- فِرْمَانْدَار: حَاكِم
- فِرْمَانْدَارِي: حَكُومْتِي
- فِرْمَانْدَه: قُومَانْدَان
- فِرِهْنِگسْتَان: آكَادِمِي
- فِرُورْدِين: حَمِل (بِرِج)
- فِسِيل: فُوسِيل، سِنِگُوارَه
- فِشْنِگ: كَارْتُوس، مَرْمِي
- فِل: بُو (پَاپِيُون كِه بَه جَاي كِرَاوَات پُوشِنْد)
- فِلْفَل: مَرِچ
- فِلْم: فِيلْم
- فِنَاتِيك: مَتَعَصَب

- فنجان: پیاله
- فندک: لایتر
- فوریه (فرانسه): فیروری (انگلیسی)
- فیر کردن: شلیک کردن (تحریف شده fire انگلیسی)
- فیش: برگه
- فیشن: مُد (تحریف شده fashion انگلیسی)
- فی صد: درصد
- فیصله نامه: قطعنامه
- فینال (فرانسه): فاینل (انگلیسی)

ق

- قاب (ترکی): ۱. چوکات ۲. غوری ۳. بجول (پژول)
- قابلمه (ترکی): دیگچه، نوعی دیگ
- قاچاقی (ترکی): گریزی
- قادر: بی سواد، بی عقل
- قارچ: سماروغ
- قال مقال (در تلفظ «غالمغال»): سرو صدا
- قبراق (ترکی): چالاک
- قدامت: قدمت
- قرعه: پشک
- قروت: کشک

- قصه کردن: حکایت کردن
- قطفه: حوله
- قفسه: الباری
- قُلبه: شخم
- قلقلک: قفتک (هراتی: پاخلوچه)
- قلوه سنگ: جغل، جغله
- قلوه: گرده
- قلیان: چلم، چلیم
- قلیایی: القلی
- قهوه خانه: سواوری
- قورباغه (ترکی): بقّه
- قوری: چاینگ
- قومندان: فرمانده (تحریف شده ی comandant فرانسوی)
- قونسول: کنسول (اساساً برگرفته از ریشه ی consul لاتینی، برگرفته ی تحریف شده از زبان های اروپایی)
- قوی: تَلّّه
- قیتک: گیره مو

ک

- کاپشن: جپر، کاپشن
- کاتالوگ (فرانسه): کتلاک (انگلیسی)

- کاتالیزور (فرانسه): کتالیست (انگلیسی)
- کاج: ناجو
- کاچی: لیتی
- کاخ سلطنتی: ارگ شاهی
- کارو غریبی: کارو کاسبی
- کاست: کست
- کاسه لگ: کاسه کوچک
- کاغذ تشناب: کاغذ توالت
- کاغذ سنباده: کاغذ ریگ
- کاغذ پران (گودی پران): بادبادک
- کاکا: عمو (در هندی چاچا)
- کاکه: عیار، جاهل مآب
- کالای نو: لباس نو
- کالبدشکافی: تشریح
- کالبدشناسی: آناتومی
- کامیون (فرانسه): لاری (انگلیسی)
- کاناپه (فرانسه): دیوان
- کبد: جگر
- کبریت: گوگرد
- کت (انگلیسی): کرتی
- کتری: چایبر (هراتی: کتری، چایجوش)
- کته: بزرگ

- کچالو: سیب زمینی (در هندی آلو)
- کچل: کل
- کدام نفر: یک کسی
- کدخدا: ملک (هراتی: ارباب)
- کدو لگ: کدو خورشتی، کدو سبز
- کراوات (فرانسہ): نلتایی (انگلیسی)
- کُرتی: کت (تحریف شده واژه روسی «کورتکه»)
- کرچک: کستراییل (انگلیسی)
- کرسی: صندلی
- کرمچ: کفش ورزشی
- کره: مسکه
- کریدور (فرانسہ): راهرو
- کژدم: عقرب
- کشال شدن: مایل شدن، آویزان شدن
- کشالہ دار: دامنہ دار، مفصل
- کشاورز: زارع
- کشاورزی: زراعت
- کشک: قروت (ترکی)
- کشو: روگ (هراتی: خزہ)
- کشوری: ملکی
- کشیک: ۱. نوکریوال ۲. پیرہ، پیرہ
- کفہی ترازو: پتہی ترازو (هراتی: پلہی ترازو)

- کفیدن: ترکیدن
- کلاس: صنف
- کلان: بزرگ
- کلانتر: سرمأمور
- کلانتری: سرمأموریت
- کلاه گیس: کلاه موئی
- کلچہ: کلوچہ، شیرینی
- کلکین (اُرسی): پنجرہ (تحریف شدہ واژه «کرکی» ہندی)
- کلیہ: گُردہ
- کمپل: پتو
- کمپیوتر: کامپیوتر، رایانہ
- کمڈ: الماری
- کمرہ: دورین
- کمک ہزینہ: مدد معاش
- کمیسیون (فرانسہ): کمیشن (انگلیسی)
- کنترول: کنترول
- کنف: منج
- کوچ کشی: نقل مکان
- کوچی: یکی از عشایر قوم پشتون، چادر نشین، خانہ بدوش
- کود: پارو
- کورس: کلاس، دورہ (انگلیسی)
- کوریای جنوبی: کرہ جنوبی

- کولاک: برفلویہ
- کولتور (فرہنگ): فرہنگ («کلتور» فرانسوی)
- کیسہ بر: جیب بر
- کیف: بکس
- کیمیا: شیمی
- کیمیائی: شیمیائی
- کیوسک (فرانسہ): غرفہ

گ

- گادی: کالسکہ
- گادی ران: کالسکہ ران
- گادی وان: درشکہ چی
- گاری: کراچی
- گاز انبر: انبر میخلش
- گازویل (فرانسہ): دیزویل (انگلیسی)
- گالش: کلوش (ہردو فرانسہ یا روسی)
- گاوصندوق: سیف (انگلیسی)
- گپ: حرف
- گپ زدن: حرف زدن، سخن گفتن
- گذرنامہ: پاسپورت
- گراور (فرانسہ): کلیشہ (انگلیسی)

- گراورسازی: زنگوگرافی (انگلیسی)
- گریه: پشک
- گردو: چارمغز (هراتی: جوز)
- گرنگ: سنگین، (گران دروازه‌ی گرانیگاه)
- گروپ: گروه، لامپ
- گریان کردن: گریه کردن
- گزارش: راپور
- گزارشگر: راپورتر (انگلیسی)
- گشتاندن: گرداندن
- گل محمدی: گل گلاب
- گلوله: مرمی
- گلون: گلو (هندی گلا)
- گنگس (گنس): گیج
- گه خوردن: چفلخوری
- گواتر (فرانسه): جاغور (هراتی: غمباد)
- گواهی: تصدیق
- گواهینامه‌ی راندگی: لایسنس (انگلیسی)
- گواهینامه: شهادتنامه
- گوجه‌فرنگی: بادمجان رومی
- گودی: عروسک (هندی گودیا)
- گودی‌پران: بادبادک (گودی برون قوطی)
- گودیگ: عروسک کوچک

- گورده: کلیه
- گوگرد: کبریت
- گونی: بوجی (هراتی: گونی)
- گوینده: نطق، اناسر (انگلیسی)
- گیس سفید: پیچه سفید
- گیلاس: لیوان (تحریف شده glas انگلیسی)
- گیومه (فرانسه): ناخن، هلالین، مزدوج

ل

- لاستیک (روسی): تیر، تایر (انگلیسی)
- لاستیک تویی: تیوب (انگلیسی)
- لاک پشت: سنگ پشت (هراتی: کاسه پشتک)
- لالایی: لولو (هراتی: آلا، آلا)
- لامپ (فرانسه): گروپ (= گلوب: انگلیسی)
- لامپا (روسی): لپا
- لادسپیکر: بلندگو از انگلیسی (loudspeaker)
- لب چرب: رژلب
- لبسیرین کردن: رژلب زدن
- لبلبو: چغندر قند، لبو
- لبو: لبلبو
- لُپ: کومه (هراتی: لمبوس)

- لت و کوب: کتک، ضرب و شتم
- لثه: بیره (هراتی: ارچ)
- لُج: لُخت
- لچک: دستمال سه گوشه، سر بند
- لشکری: عسکری، نظامی
- لفت: آسانسور (از lift انگلیسی، از ascenseur فرانسوی)
- لفظ گرفتن: بله برون - قرار خواستگاری گذاشتن (بیشتر، زمانی که جواب آن مساعد است، استفاده می شود)
- لگ: ستبر
- له شدن: ۱. شاریدن ۲. پخچ و پامال شدن (هراتی: پخچ شدن)
- لوازم یدکی: پرزه
- لویاسبیز: فاسولیا
- لوحه: تابلو
- لوزه: تانسِل (انگلیسی)
- لوس: نازدانه (هراتی: انه)
- لوستر (فرانس): چلچراغ
- لوله: نل
- لوله کش: نلدوان
- لوله کشی: نلدوانی
- لوی چارنوال (در تلفظ لوی سارن وال): دادستان کل
- لوی در ستیز: فرمانده کل، سر فرمانده
- لوی ولسوالی: فرمانداری، حکمرانی (در تقسیمات کشور افغانستان)

- لویہ جرگہ: جرگہ ی بزرگ، شورای عالی (ریش سفیدان) افغانستان («لوی» پشتوبه معنی بزرگ)
- لیاف: لحاف
- لیسہ: دبیرستان (تلفظ نادرست «لیسہ» فرانسوی)
- لیلہ: خوابگاه (دانشجویی)
- لیوان (فرانسہ): گیللاس

۲

-
- مارس: (فرانسہ) مارس (انگلیسی)
 - مارکیت: بازار (انگلیسی)
 - ماساژ (فرانسہ): چاپی
 - ماشین تحریر: ماشین تایپ
 - ماشین نویس: تایپست
 - ماما: قابلہ (هراتی قدیم: دایہ، ماما)
 - ماما، خالو: دایی
 - مأمور پُست: داک، پُستہ رسان
 - ماندن: گذاشتن، نهادن
 - مانده شدن: خسته شدن
 - مانده: خسته
 - ماهواره: ستلايت (انگلیسی)
 - مایک: میکروفون
 - مایہ کوبی: واکسناسیون (فرانسہ)، تزریق واکسن

- مبصر: کفتان، سرجماعه
- متباقی: بقیه
- متقال: کرباس (نوعی)
- مجلس سنا: مشرانو جرگه
- مچ پا: بند پا
- مچ دست: بند دست
- مچی، ساعت: ساعت بند دستی
- محافظوی: محافظتی
- محفل: جلسہ، نشست
- مختلف النوع: گوناگون
- مداد: پینسل (انگلیسی)
- مداری: شعبده باز
- مدنیت (تمدن): تمدن
- مدیر کُل: مدیر عمومی
- مراتب تحریری: کتباً
- مربوطات ولایت: توابع استان
- مرداب: جیبہ زار، باتلاق
- مرداد: اسد
- مزدور: خادم، کارگر روزمزد
- مساعده: معاش پیشگی
- مسبوقیت: اطلاع
- مست: شاد

- مِسْتَرِي: مکاتیک
- مِسْوَاک: ۱. مسواک (طبیعی از چوب درخت مسواک) ۲. برس دندان
- مِشْت زَن: بوکسر
- مِشْت زَنِي: بوکس
- مِشْرَانُو جَرگَه: مجلس سنا
- مِصَارْف: هزینه‌ها
- مِضَامِين: رشته‌ها (ی تحصیلی)
- مِطَب: معاینه‌خانه
- مِغَايِنَه خَانَه: مطب
- مِغْلُورَه: اندیشه
- مِقْبُول: زیبا
- مِقْرَوْلَايْت: استانداری
- مِکْتَب: مدرسه
- مِکْس (انگلیسی) (بیشتر در گفتگو بین جوانان): مخلوط
- مِکْلَفِيْت عَسْکَرِي: نظام وظیفه
- مِگْر: ولی، اما
- مِکْلِي: غیر نظامی
- مِکْلِل: پارچه‌ی کتانی
- مِیْمِيْز: اعشاریه
- مِنتَظَر خِدْمَت: اضافه بست
- مِن حَيْث: به حیث، به عنوان
- مِنتَقُوِي: منطقه‌ای

- منها: تفریق
- منیزیم (فرانسہ): مگنیزیم (انگلیسی)
- مہ (ماہ) (فرانسہ): می (انگلیسی)
- مہ: غبار
- مہر، ماہ: میزان، برج
- مهندس: انجینیر (انگلیسی)
- مہندسی: انجینیری
- مَو: تاک
- مَواشی: دام‌ها
- مَوْتَر: ماشین، خودرو (انگلیسی)
- موتور (فرانسہ): ۱. ماشین (انگلیسی) ۲. موتورسیکلت، موتورسیکل
- موز: کیلہ
- موزائیک (فرانسہ): خشت سمنتی
- موزہ (فرانسہ): موزیم (انگلیسی)
- موزہ: چکمہ، پوتین (در ہندی «موزہ» بہ معنی جوراب است)
- موزیک (فرانسہ): موسیقی
- موزیم: موزہ
- موسم: فصل
- موشک: راکت
- موصوف: نام بردہ
- مولکول (فرانسہ): مالیکیول (انگلیسی)
- موی سفید (ریش سفید): ریش سفید، پیر

- می بر آمد: بیرون می آمد، درمی آمد
- میدان بار: منده یی
- میدان هوایی: فرودگاه
- میدان ورزشی: زمین ورزش
- میدان: چوک
- میدان: درون محوطه
- میدَه: شکسته
- میل لنگ: کرنشافت (انگلیسی)
- میله: تفریح، پیکنیک، گلگشت
- مینی بوس (فرانسَه): مینی بس (انگلیسی)

ن

-
- ناتنی: اندر
 - ناجوانی: بی معرفتی
 - نارگیل: نارپال
 - نارنگی: کینو، سنگتره
 - نارون: پشه خان، پشه خانه (درخت)
 - نازدانه: نازنازی
 - ناک: گلابی
 - نامه رسان: پسته رسان، داکی
 - نان: نان (در مجموع به غذا نیز گفته می شود)

- نخ: تار
- نخاله: سبوس و آنچه از بیختن و غربال کردن باقی بماند
- نخست وزیر: صدر اعظم
- نخست وزیری: صدارت
- نخود فرنگی: مُشنگ
- نخود لپه: دال نخود (اردو)
- نخودچی: نخودبریان
- زرده: کتاره
- نسوان: زنان ((زنانه) مربوط به بانوان)
- نشراتی: انتشاراتی چ ثقفی
- نشگون: چندگ (هراتی: چوچنگ)
- نطاقی: گوینده گی
- نفت: تیل خاک
- نکاح بستن کردن: عقد کردن
- نگاه کردن: سیل کردن
- نگاه کن: سیل کو
- نمبر (نمره، شماره): شماره، نمره
- نمونه (در هرات: روبر): الگو
- نمونه ی چاپ: پروف
- نمونه خوانی: پروفخوانی
- نهار: چاشت
- نهال شانی: نهالکاری

- نو فارغ شده: تازه فارغ التحصیل شده
- نوار قلب: گراف قلب
- نوار: فیتنه، تیپ
- نورد: چوچه (چوبی که خمیر را هموار کنند)
- نوغان: پیله‌ی ابریشم
- نول: نوک، منقار
- نی: نه
- نیم قاره: شبه قاره

ه

-
- هر کاره: دیگ سنگی
 - هزیننه: مصارف، مخارج، بودجه
 - هفت تیر: تفنگچه
 - هله: یالله، زودباش
 - هلو: شفتالو
 - هندوانه: تربوز (هراتی: هندوانه)
 - هواپیما: طیاره
 - هوش کن: مواظب باش
 - هوگار: حواس پرت
 - هول دادن: تپله کردن (هراتی: تلنگ دادن)
 - هول داشتن: هراس داشتن

- هوو: انباق
- هویج: زردک
- هیج کس: یگان کس، یگان کس

و

-
- وارخطایی: نگرانی، دست پاچگی
 - واکنش: عکس العمل
 - واگیردار: ساری، مسری
 - والی: استان دار
 - وام: قرض، قرضه
 - وان (روسی): تب (لگن بزرگ حمام)
 - وجین: خیشاوه (هراتی: ساو)
 - ورشو (آلیاژ) ورشو: نکل (هراتی: برشو)
 - وُرکشاپ: کارگاه ((انگلیسی) گاهی به صورت نادرست «ورکشاپ» نیز تلفظ می شود. این نوع تلفظ در میان کارگران شرکت نفت در خوزستان نیز به همین صورت است)
 - وزارت ارشاد: وزارت اطلاعات و فرهنگ
 - وزارت آموزش و پرورش: وزارت معارف، وزارت تعلیم و تربیه
 - وزارت بازرگانی: وزارت تجارت
 - وزارت بهداری: وزارت صحت
 - وزارت دارایی: وزارت مالیه
 - وزارت کشور: وزارت داخله
 - وزین: سنگین

- وزنښن: سنگين
- وزير امور داخله: وزير کشور
- وضاحت: روشني، واضح بودن
- وطن دار: هم وطن
- ولايت: استان
- ولايتي: اطرافي
- ولخرجي: يلاخرجي (هراتي: يله خرجي)
- ولسوالي: شهرستان (پشتو)
- ويار: گدايش (هراتي: گستا)
- ويزيت (فرانسې): فيس (انگليسي)، حق الزحمه

ی

-
- يازنه، يزنه: شوهر خواهر
 - ياس: ياسمن
 - يخن: يقه، گريبان
 - يدک: فالتو، اشتبني
 - يقه: يخن
 - يکان: فرقه
 - يکلنده: شق، لجوج (هراتي: لجباز)
 - يگان کس، يگان کس: يک کسي، يک شخصي
 - ينگه: زن برادر، زن عمو
 - يواش: آهسته

- یواشگی: مخفیانه
- یونجه: رشقه (هراتی: سبست)

واژه‌های آموزش و پرورش

فارسی ایران: فارسی و پشتوی افغانستان

- دبستان: مکتب
- دبیرستان: لیسه
- دانشگاه: پوهنتون (پشتو)
- دانشکده: فاکولته، پوهنځی (پشتو)
- دانشجو: محصل، پوهنپال (پشتو)
- استادیار (درجه‌ی سوم، دوم و یکم): پوهیالی، پوهنیار، پوهنمل (پشتو)
- دانشیار (درجه‌ی دوم و یکم): پوهندوی، پوهنوال (پشتو)
- استاد، استاد: پوهاند، پروفیسور
- دانشسرا: دارالمعلمین، معهد
- دیپلم: دیپلوم
- مهندس: انجینر
- دکتور
- کلاس: صنف
- دانشکده افسری: حربی پوهنتون (پشتو)
- کارآموزی: استاژ
- دوچرخه: باسکل
- ماشین: موتر

- موتور: سيكلت
- هواپيما: تياره بالدار
- بيمارستان: شفاخانه
- استان: ولايت